

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی سازهای رزمی در تاریخ موسیقی ایران دوران اسلامی

نرگس ذاکر جعفری*

(تاریخ دریافت: 93/4/24، تاریخ پذیرش: 93/9/16)

چکیده

هدف از تحقیق پیش‌رو، توصیف و طبقه‌بندی موقعیت‌های مختلفی است که سازهای رزمی در تاریخ ایران پس از اسلام کاربرد داشتند. با مطالعه اسناد تاریخی، موسیقایی و تصویری می‌توان دریافت کاربرد سازهای رزمی در تاریخ اجتماعی ایران، تنها در موقعیت جنگ نبود، بلکه در موقعیت‌های دیگری که نیاز به صدای قوی و بُرد صدای بالا نیاز بود نیز به‌کار می‌رفتند. امروزه، کاربرد سازهای رزمی در موقعیت‌های مختلف به فراموشی گراییده و با نظر به اینکه مهم‌ترین دلیل منسوخ شدن این سازها، زوال یافتن موقعیت‌های کاربردی آنهاست، مطالعه موقعیت‌های خاصی که این سازها کاربرد داشتند، شایان توجه است.

موقعیت‌های کاربردی سازهای رزمی در طول تاریخ ایران را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: جنگ، خبررسانی، قدرت‌نمایی، شکار، سفر، نمایش حیوانات، و مسابقات ورزشی و عزاداری. در این میان، مهم‌ترین موقعیت‌های کاربردی این سازها عبارت بودند از جنگ، خبررسانی و

*nargesakeri@guilan.ac.ir

1. استادیار گروه موسیقی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

قدرت‌نمایی که به نظر می‌رسد اجرای موسیقی رزمی در این موقعیت‌ها، نقشی حیاتی داشته است. نقش اجرای سازهای رزمی در دیگر موقعیت‌های یادشده مانند شکار، سفر و نمایش‌های عمومی، اهمیت کمتری دارد؛ زیرا چنین موقعیت‌هایی کمتر اهمیت سیاسی داشته و دربرخی موارد، موقعیت‌هایی کاملاً مردمی محسوب می‌شده‌اند. روش تحقیق در مقاله پیش‌رو، تحلیلی-توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتاب‌خانه‌ای است.

واژگان کلیدی: موسیقی رزمی در تاریخ ایران، نقش موسیقی در جنگ، موقعیت کاربردی سازهای رزمی، نقاره‌خانه، نمایش‌های موسیقایی.

مقدمه

موسیقی در طول تاریخ ایران همواره در بالاترین رده‌های اجتماع مانند ضیافت‌های دولتی، جشن‌های مختلف دربار و موسیقی نظامی تا موقعیت‌های عمومی همچون جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی و نزد توده مردم در مراسمی چون عروسی، عزا و غیره حضور داشته است. در هرکدام از موقعیت‌های یادشده از موسیقی و سازهای ویژه‌ای بهره برده می‌شد؛ به‌طور کلی، می‌توان سازهای به‌کاررفته در موقعیت‌های مختلف را به دو گروه بزمی و رزمی تفکیک کرد. مقصود از سازهای بزمی، سازهایی است که در مجالس کوچک و بزرگ، اعم از دربارها و منازل مردم استفاده می‌شد. به‌دلیل بسته یا کوچک‌بودن فضاهای مورد استفاده در اجرای موسیقی بزمی، سازهایی با شدت صدای پایین‌تر و بُرد صدای¹ کمتر کاربرد داشت. مهم‌ترین آن‌ها را سازهای زهی تشکیل می‌دادند؛ اگرچه سازهای بادی، پوست صدا و خودصدا نیز در اجرای موسیقی بزمی نقش داشتند، سازهای رزمی به‌دلیل صدای بلندتر و بُرد صدای بسیار بالایی که داشتند، در مکان‌های باز و وسیع به‌کار می‌رفتند. سازهای زهی جایگاهی در میان سازهای رزمی تاریخ ایران نداشتند و تمامی سازهای رزمی در تاریخ ایران، شامل سازهای بادی، پوست صدا و خودصدا بودند. کرنای و سرنا از مهم‌ترین سازهای بادی رزمی در تاریخ ایران به‌شمار می‌آمدند. در میان پوست صداها، نقاره و طبل، و در میان سازهای خودصدا، سنج، مهم‌ترین ساز رزمی ایران کهن بود.

شمار سازهای رزمی ایران قدیم پس از دوره قاجار به شدت، کاهش یافت که دودلیل عمده می‌توان برای آن برشمرد؛ دلیل اول، تغییر تشکیلات نظامی و غربی شدن آن از دوره قاجار به بعد و دلیل بعدی، از بین رفتن موقعیت‌هایی است که چنین سازهایی کاربرد داشتند؛ مانند موقعیت خبررسانی و غیره، که هر دو دلیل، یعنی تغییرات تشکیلات نظامی ایران از یک سو و تغییرات اساسی در شیوه زندگی مردم و زوال یافتن موقعیت‌های کاربردی سازهای رزمی از سوی دیگر، هم‌راستا با یکدیگر هستند. گسترش روابط میان ایران و اروپا در زمان قاجار و تصمیم عباس میرزا (1202-1249ق) به نوسازی تشکیلات نظامی ایران، نخستین گام‌ها در بهره‌گیری از موسیقی نظامی غرب در ایران محسوب می‌شود. بنابه مدارک موجود تا دوره فتحعلی شاه نیز، نقاره‌چیان نظامی، طبل و سرنا می‌نواختند. (کوئزبوئه، 1348: 244) در دوره ناصری برای تدریس دروس مختلف در مدرسه دارالفنون که با همت میرزاتقی خان امیرکبیر در 1268 ق بنیاد نهاده شد، معلمان خارجی استخدام شدند و شعبه موزیک نظام در دارالفنون تأسیس شد. (درویشی، 1373: 30) از این دوره به بعد، شاهد تغییرات اساسی در سازهای رزمی یا نظامی هستیم. با برچیده شدن نقاره‌خانه‌ها از اواخر دوره قاجار و دیگر موقعیت‌هایی که سازهای موسیقی رزمی کاربرد داشتند، حضور این سازها نیز بسیار کم‌رنگ شد.

در میان سازهای رزمی قدیم، ساز سرنا در موقعیت‌های بزمی نیز کاربرد داشت. شاید به‌همین دلیل است که امروزه در مناطق ایران و در روستاها هنوز ساز سرنا حضور دارد؛ زیرا کاربرد موقعیت بزمی خود را از دست نداده است؛ بنابراین با توجه به اینکه مهم‌ترین دلیل منسوخ شدن سازهای رزمی در تاریخ معاصر ایران، زوال یافتن موقعیت‌های کاربردی این سازهاست، شناسایی و توصیف موقعیت‌های خاصی که این سازها کاربرد داشته‌اند، مهم خواهد بود که در این مقاله موقعیت‌های کاربردی مختلف سازهای رزمی در تاریخ اجتماعی ایران مطالعه و دسته‌بندی شده است.

در مورد موسیقی رزمی، پژوهش‌هایی که صورت گرفته، جنبه‌های مختلفی دارد. در کتاب حماسه و موسیقی، مجموعه مقالاتی گردآوری شده که به مباحث مختلفی از جمله شعر در نواهای حماسی، تعزیه، موسیقی نظامی و انقلابی پرداخته شده است. (آزاده‌فر، 1389) پژوهش‌های دیگر به مطالعه سازهای رزمی اختصاص دارند که می‌توان از تحقیقات محمدتقی مسعودیه (مسعودیه، 1383) و محمدرضا درویشی (درویشی، 1386) یاد کرد؛ اما تاکنون

تحقیق مستقلی دربارهٔ طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی سازهای رزمی در موسیقی پس از اسلام صورت نگرفته است؛ ازین رو جای چنین پژوهشی تاکنون خالی بوده است.

موقعیت‌های کاربردی سازهای رزمی

1. خبررسانی

از مهم‌ترین کاربردهای سازهای رزمی در تاریخ اجتماعی ایران، خبررسانی است که امروزه در پی روش نوین زندگی و ابداع رسانه‌ها و ابزار اطلاع‌رسانی، چنین موقعیتی به‌کلی منسوخ شده است. در موقعیت خبررسانی از سازهای نقاره‌خانه‌ای استفاده می‌کرده‌اند؛ مانند سازهای پوست‌صدا (طبل، نقاره)، خودصدا (سنج) و بادی (کرنای، سرنا)؛ زیرا در موقعیت خبررسانی به شدت و بُرد صدای زیادی نیاز بوده است. در برخی مواقع، خبررسانی در راستای خبر پیروزی در جنگ‌ها بوده که با موقعیت رزمی هم‌راستا می‌شده است.

در بیشتر شهرهای بزرگ، مکانی را نام «نقاره‌خانه» به‌منظور خبررسانی اختصاص می‌دادند. یکی از لواحق دربارها، نقاره‌خانه بود که عده‌ای نوازنده در هنگام سحر، غروب و دو ساعت پس از نیمه‌شب، از ایوان و یا از در سرای شاه نواهایی را اجرا می‌کردند. دستهٔ موسیقی نظامی، نه تنها مسئول موسیقی رزمی در جنگ‌ها بودند، بلکه «نوبه‌زنی» هم در زمرهٔ مشاغل آن‌ها بود و در ساعات معینی از روز، چند نوبت موسیقی می‌نواختند.

در دورهٔ تیموری رهبر این گروه، لقب استاد داشت و در اعیاد عمومی نیز رهبری محافل مردم را برای اجرای برنامه به‌عهده می‌گرفت. (تاکستن و دیگران، 1384: 84) در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، برای اعلام اوقات نماز یا رسانیدن اخبار مهم به مردم به «نوبت‌زدن» یا نقاره‌زدن مبادرت می‌کردند. رسم بود که بر درگاه سلاطین به‌وقت نماز پنج‌گانه، پنج‌بار «نوبتی» می‌نواختند. بر سرای پادشاهان بزرگ چون سلاجقه پنج نوبت می‌زدند؛ ولی امرای بزرگ مانند اتابکان فارس فقط سه نوبت می‌زدند. (راوندی، 1386: 92) نوبت‌زنی تا اواخر عهد قاجاریه کم‌وبیش معمول بود؛ ولی با ظهور تمدن جدید، این سنت روبه فراموشی رفت. در تصویر 1 نمونه‌ای از نقاره‌خانه‌های قدیم، که بر بالای ساختمان‌ها واقع می‌شد، در نگاره‌ای مربوط به عصر صفوی نشان داده شده است که نوازندگان مشغول نواختن سازهای بادی و پوست‌صدا هستند.



شکل 1 برگی از بوستان سعدی، 893 قمری (Barakat, 2008: 43)

سانسون در عصر شاه‌سلیمان صفوی در توصیف نقاره‌خانه واقع در میدان اصفهان می‌گوید: در قسمت شمال میدان، تالاری بسیار زیبا وجود داشت که نوازندگان شاه هر روز هنگام غروب آفتاب و دو ساعت بعد از نیمه‌شب و ظهر در آنجا به نواختن می‌پرداختند. به گفته سانسون، نوازندگان نقاره‌خانه در دوره شاه‌سلیمان صفوی متجاوز از شصت نفر بودند که سازهای مختلفی را می‌نواختند، عده‌ای طبل بزرگ و عده‌ای طبل‌های کوچک، بعضی شیپور و قره‌نی و عده‌ای دیگر بوق‌هایی را به صدا درمی‌آوردند. (سانسون، 1346: 71) از سوی دیگر، کمپفر در سفرنامه‌اش عده نقاره‌چیان شاه‌سلیمان را چهل نوازنده یاد کرده است که حقوق خود را از بودجه محلی که برای «قوالان» در نظر گرفته می‌شد، دریافت می‌کردند. (کمپفر، 1360: 133) با وجود اختلاف نظر در مورد تعداد نوازندگان در سفرنامه کمپفر و سانسون، که هم‌زمان در ایران اقامت داشتند، می‌توان چنین برداشت کرد که تعداد زیادی از نوازندگان در نقاره‌خانه شاه‌سلیمان صفوی مشغول به فعالیت بودند. تاورنیه که سال‌هایی از دوره شاه صفی، عباس دوم و سلیمان در ایران می‌زیست، در این باره می‌گوید عصرها و نیمه‌شب‌ها صدای کرناها و نقاره‌ها

از نقاره‌خانه اصفهان به صدا درمی‌آمد. شهرهای خان‌نشین امتیاز داشتن دسته نقاره‌چی‌ها را دارند و نقاره‌چی‌ها در اتاق‌های کوچکی ساکن بودند. (ناورنیه، 1382: 63)

دلاواله در عهد شاه‌عباس اول از شدت صدای قوی و بُرد بالای صدای سازهای نقاره‌خانه چنین می‌نویسد:

«در ضلع دیگر میدان [نقش جهان] که در سمت بازار است دو مناره بلند برای هماهنگی با مسجد بروی رواق‌ها ساخته‌اند. در این مناره‌ها هرروز عصر تعدادی موزیکچی با انواعی از آلات موسیقی جنگی، آهنگ‌هایی ترکی و ایرانی می‌نوازند... طنین صدای‌شان آن‌قدر قوی و بلند است که علی‌رغم بزرگی میدان از همه طرف شنیده می‌شود». (دلاواله، 1380: 474)

برای اعلام هر خبری، نقاره‌خانه اطلاع‌رسانی می‌کرد. در رستم‌التواریخ آمده است در محله عباس‌آباد اصفهان، نقاره‌خانه‌ای بود که هرگاه یکی از تجار از دریا بازمی‌گشت و اموالش وارد اصفهان می‌شد، نقاره‌خانه یادشده شروع به کوفتن طبل و کورگه و کرنا می‌کرد و تاجر دیگر و مردم شهر از این امر آگاه می‌شدند. (محمدهاشم آصف، 1382: 81) نقاره شادبانه نواختن توسط نقاره‌خانه مرسوم بوده که در موقعیت‌های شادی‌آفرین مانند به‌تخت نشستن شاه جدید توسط نوازندگان نقاره‌خانه‌ها اجرا می‌شد: «... مجلس عالی پادشاهانه آراسته بر تخت سلطنت جلوس کرد و نقاره‌های شادمانی باسم او بنوازش درآوردند» (اسکندر بیک ترکمان، 1387: 555).

علاوه بر نقاره‌خانه‌ها، جارچی‌ها نیز برای خبررسانی با استفاده از سازهای پوست‌صدا مانند طبل و سازهای بادی مانند سرنا، خبر را اعلام می‌کردند. یک ساعت و نیم از شب گذشته، طبالی در شهر می‌گشته و قروق شبانه را اعلام می‌کرده و نزدیک صبح با نواختن طبل، پایان‌یافتن ساعات قروق شبانه را اعلام می‌کرده است. (کارری، 1348: 33) دلاواله در عصر شاه‌عباس اول می‌نویسد از جانب شاه، نامه‌هایی به اصفهان رسید که حاوی دستوراتی به مردم شهر بود. برای اعلام خبر و خواندن مضمون نامه‌های شاه در همان روز با صدای طبل و شیپور در تمام شهر جار می‌زدند. (دلاواله، 1380: 1002) بنابه گفته دلاواله، روزی دیگر نیز با بوق و کرنا در سراسر شهر جار زدند که طبق دستور شاه، مصرف تریاک در تمام ایالات و ولایات ایران ممنوع اعلام شده است. (همان: 1054) همچنین جارچی‌ها، هر تغییر نرخ در قیمت کالاها را در شهر جار می‌زدند تا هیچ‌کس از آن بی‌خبر نماند. (کمپفر، 1360: 165)

2. قدرت‌نمایی

بوق و طبل و نقاره‌زدن در نقاره‌خانه، نشانه قدرت‌نمایی نیز بود. داشتن نقاره‌خانه برای هر حاکمی نشان قدرت و جلال و شکوه‌اش محسوب می‌شد. ابوالفضل بیهقی (385-470 ق) در تاریخ بیهقی درباب خلعت‌دادن امیر مسعود غزنوی به یکی از حاکمان چنین می‌گوید: «... امیر فرمود تا خلعت احمد راست کردند: طبل و علم و کوس و آنچه با آن رود که سالاران را دهند...». (ابوالفضل بیهقی، 1387: 316)

در دوره سلجوقی وقتی مؤیدالملک در دستگاه دیوانی سلجوقی جانشین کمال‌الدوله شد، خواستار امتیازی شد و درخواست کرد که با طبل و موزیک نظامی (نوبه) از وی استقبال شود و به وقت نمازهای سه‌گانه روز بر در خانه او طبل بنوازند. خلیفه این امر را نپذیرفت و با دادن عطایای دیگر به مؤیدالملک وی را به ترک این دعوی ترغیب کرد. (دانشگاه کمبریج، 1389: 74) در ظفرنامه آمده است که: «طبل و علم اظهر علامات سلطنت و پادشاهی است»؛ (شرف‌الدین علی یزدی، بی‌تا: 145) ازین‌رو در جنگ‌ها، نقاره‌خانه‌ها را نیز مانند غنایم دیگر به دست می‌آوردند.

باتوجه به گفته‌های سفرنامه‌نویسان عصر صفوی، استفاده از کرنا مختص پادشاهان، والی‌ها و حکام بزرگ بود و در این‌میان، کرناهای بسیار بلند را فقط در شهرهای مقرر شاه و خان‌های بزرگ می‌نواختند؛ ولی حاکمان زیردست والی‌ها و آنان که مقام‌شان پایین‌تر بود، می‌توانستند فقط از نقاره و طبل و سازهای بادی کوچک نظیر شیپور استفاده کنند. سانسون در دوره شاه سلیمان صفوی می‌گوید خان‌ها یا حاکم‌های ایران در دوره صفوی شش‌نوع بودند: والی، بیگلر بیگی، قول بیگی، وزیر، سلطان، داروغه. والی‌ها از اولاد و بازماندگان سلاطینی هستند که پادشاه ایران سرزمین آن‌ها را گرفته و آن‌ها را به‌زور مطیع و فرمانبردار خود ساخته، ولی حکومت آن نواحی را برای خودشان باقی‌گذارده است؛ مانند والی‌های گرجستان، بختیاری، هرات، کرمان و غیره. به‌طورکلی به والی‌ها به چشم شاهزادگان می‌نگریستند. به‌گفته سانسون تمام این والی‌ها اجازه داشتند تا دوازده کرنا داشته باشند و آن‌ها را به‌صدا درآورند و فقط والی‌ها و خان‌ها به‌نسبت عظمت قلمرو حکومت‌شان می‌توانستند کم‌وبیش تعدادی از این کرناها را داشته باشند. حکام زیردست

والی‌ها و خان‌ها که به طبع، مقام‌شان پایین‌تر بوده، حق داشتند فقط از قره‌نی و نقاره و طبل استفاده کنند. (سانسون، 1346: 59) باتوجه به گفته سانسون، دسته کرناها تنها مختص پادشاهان و والی‌ها و حکام بزرگ بوده ولی داشتن طبل و نقاره برای حاکمان رده پایین‌تر نیز مرسوم بود. همچنین به گفته تاورنیه کرناهای بسیار بلند را تنها در شهر اقامتگاه شاه و خان‌ها به صدا درمی‌آوردند. صدای این سازها در همه عیدها و نیز هنگامی که شاه؛ حکمران یا صاحب‌منصب تازه‌ای تعیین می‌کرد، به گوش می‌رسید. (تاورنیه، 1382: 305) در سفرنامه کمپفر در عهد شاه سلیمان صفوی نیز از نقاره و شیپور به‌عنوان نشانه قدرت و فرمانروایی ذکر شده است. وی می‌گوید یک‌خان ایرانی می‌کوشد که حتی‌المقدور به پیروی از سرمشق دربار شاه برای خود دم و دستگاهی ترتیب دهد. خان در ترتیب‌دادن میهمانی‌های عمومی و باشکوه به چشم و هم‌چشمی با شاه برمی‌خیزد؛ به فرمان وی صبح‌ها و عصرها، نقاره‌چی‌ها و شیپورزن‌ها می‌نوازند. (کمپفر، 1360: 159) نقاره‌خانه، امتیازی محسوب می‌شد که به بعضی از محله‌ها و شهرها تعلق می‌گرفت. شاردن می‌گوید شاه‌عباس اول برای جلب مردم محله عباس‌آباد یا محله تبریزی‌ها در اصفهان، نقاره‌خانه‌ای به آنجا هدیه داد و می‌خواست به محله جلفا، که مسکن مسیحیان است، نیز نقاره‌خانه بدهد؛ ولی ارامنه از قبول آن خودداری کردند. (شاردن، 1330: 141). کاری در دوره شاه سلیمان نقاره‌خانه تبریز را تشریح می‌کند و می‌گوید موسیقی نابهنگام نقاره‌خانه در حکم اختطاری به بازاریان بوده که دکان‌های خود را ببندند. (کاری، 1348: 32)

3. رزم

از مهم‌ترین کاربردهای موسیقی رزمی در تاریخ ایران، استفاده از موسیقی در جنگ‌ها بود که تا دوره قاجار نیز متداول بود. از روزگار قدیم، رزمندگان قبل از جنگ، آلاتی فراهم می‌کردند که «ساز کارزار» خوانده می‌شد و با استفاده از درفش‌ها، بندها و رایات جنگ، برای تهییج احساسات سربازان به نواختن طبل و زدن نای‌ها، بوق‌ها و کرناها می‌پرداختند. نشانه پایداری سپاهیان در جنگ و برج‌بودن نیروی رزمی آنان، یکی برافراشته‌بودن بیرق

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی ... _____ نرگس ذاکرجعفری

و دیگری تداوم نوای سازهای جنگی بود. در صف‌های مشق نظامی دو نوازنده شیپور و طبل، همواره نزد فرمانده سپاه قراری گرفتند تا بتوانند فرمان‌های وی را با نواختن در شیپور و کوبیدن بر پوست طبل، به آگاهی رزمندگان برسانند. (ملاح، 1355: 68) نقش و اهمیت موسیقی در تهییج و تشویق سپاهیان به جنگ در میدان نبرد چنان قوی بود که یکی از ترندها در تضعیف روحیه سپاهیان و پیروزی بر آنان، خاموش کردن نوازندگان سازها و سرنگون کردن بیرق بود. (بلوکباشی، 1381: 33)

نقش سازهای رزمی در جنگ‌ها، شهامت بخشیدن به جنگجویان عنوان شده است. در *آداب‌الحرب و الشجاعه* چگونگی صف‌آرایی در نبرد شرح داده شده است که مردان جنگی عبارت از چهار گروه بودند: یکی مبارزان جانباز که جایگاه‌شان در سپاه، برابر میمنه² بود؛ دوم شامل خداوندان شکیبایی و پایدار به کارزار که جای‌شان بر ساقه سپاه قرار داشت؛ گروه سوم را مردان تیرانداز تشکیل می‌دادند که بر مسیر قرار می‌گرفتند و گروه چهارم شامل آرایش لشکر بودند؛ مانند علمداران و مطرد³ و دبدبه و دهل و تبیره و زنگیانه و بوق و طبل و همچنین چند مرد دلیر که مردانه سپاه را دلیر کنند و بر جنگ کردن حریص نمایند و لشکر را دل دهند تا دلیر شوند و نترسند. (راوندی، 1382: 748). علم و طبل از آلات لازم برای جنگ به‌شمار می‌آمد، چنانچه رشیدالدین در یکی از جنگ‌های غازان‌خان می‌گوید که غازان چنان درمورد جنگ خالی از ذهن بود که «توق مبارک» (علم) و «کهورکای خاص» (طبل جنگ سلطنتی) را با خود نیاورده بود. (همان: 769)

در دوره تیموری، دسته نظامی حاکم شامل نقاره‌چیان، سرناچیان، نفیرچیان، سنج‌چیان بود که بادقت رده‌بندی شده بودند. (تاکستن و دیگران، 1384: 84) در سپاه اوزون حسن، اهل طرب نودوهشت نفر ذکر شده است. (راوندی، 1382: 783) این اهل طرب به‌همراه سایر مشاغل مانند خدمتکاران و شبانان بودند و تعدادشان بسته به مقام و منصب حاکم فرق می‌کرد. در نگارگری‌های دوره‌ها و مکاتب مختلف، صحنه‌های جنگ به‌وفور به تصویر کشیده شده که نکته شایان توجه در این نگاره‌ها، حضور نوازندگان سازهای رزمی به همراه جنگجویان است (تصویر 2).



شکل 2 «منوچهر با نیزه‌اش تور را بالا می‌برد»، شاهنامه شاه طهماسب (Nameless, 2011: 60)

1.3. کاربرد موسیقی در مراحل مختلف جنگ

براساس اطلاعاتی که از کتب تاریخی می‌توان دریافت، در مراحل مختلف جنگ، پیش از آن، حین جنگ و همچنین پیروزی پس از جنگ، نواهای مختلف و مخصوصی را می‌نواختند. از کاربردهای نواختن سازهای رزمی پیش از آغاز جنگ، خبررسانی و آماده‌سازی سپاه و سربازان برای حرکت یاد شده است. یکی از نشانه‌های آغاز جنگ، طبل کوفتن بود که این نوا از دوطرف جبهه به خروش درمی‌آمد. در روایت «جنگ با سلجوقیان در بیابان سرخس» تاریخ بیهقی چنین آمده: «... و آن خصمان نیز بازگشتند و نزدیک از ما در کران مرغزاری

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی ... _____ نرگس ذاکر جعفری

لشکرگاه ساختند و فرود آمدند چنانکه آواز دهل هر دو لشکر که می‌زدند به یکدیگر می‌رسید...» (ابولفضل بیهقی، 1387: 658) در تاریخ تحریر و صاف از جنگی در زمان ارغون ایلخانی چنین سخن رانده شده: «ملک نصرت پیشتر به موضع اقامت مغول رسیدند. بر فور بر سر پشته‌ای علم برافراشت و طبل فروکوفت... گروهی بر پشته تاختند و بجای آنان علم گرفتند و طبل زدند...». (عبدالمحمد آیتی، 1346: 151) در عالم‌آرای صفوی آمده است که شاه اسماعیل از صدای طبل جبهه مخالف، متعجب شده و گفته است: «مگر شیخ اوغلی نگریخته است که پیش از ما طبل جنگ می‌نوازد؟ خوب، شما نیز طبل جنگ بنوازید. پس به فرموده قیصر، طبل جنگ به نوازش درآوردند...» (بی‌نام، 1363: 485).

در کتب تاریخی از نواختن سازهای رزمی حین جنگ نیز بسیار، سخن رانده شده است. در حبیب‌السیر، جنگ امیر وجیه‌الدین مسعود سربدار با ملک معزالدین حسین و قتل شیخ حسن جوری شرح داده شده که در آن وقتی صف‌های دو جبهه به هم رسیدند با صدای نای و خروش کوس به نبرد پرداختند. (خواندمیر، 1362: 185) حافظ ابرو در زبده‌التواریخ در این باره می‌نویسد: «علی‌الصباح امیرزاده پیرمحمد فرمود تا گورکه حربی را در نفیر آوردند و زلزله کوس و برغو و نقاره به اوج فلک دوار رسانیدند». (حافظ ابرو، 1372: 218)

به نظر می‌رسد نحوه و نوع اجرا در موقعیت‌های مختلف جنگ نیز متفاوت بوده است. در شرح وقایع جنگ‌ها در کتب تاریخی، «طبل حربی» یا «طبل جنگ» از «طبل آسایش» تفکیک شده که بیانگر تفاوت دو نوع اجرا توسط طبل است؛ «طبل حربی» یا «طبل جنگ» برای انجام جنگ و «طبل آسایش» برای توقف آن به اجرا درمی‌آمد. و همین‌طور از «نقاره شادیانه» پس از پیروزی و گاهی در حین جنگ سخن گفته شده است. احتمالاً سازهای کوبه‌ای در مواقع مختلف جنگ، وزن‌های مختلف را می‌نواختند. در مطلع سعدین و مجمع بحرین در مورد «طبل حربی» و «طبل آسایش» آمده است: «... وقت صبح آواز سرنا و طبل حربی برآمد و تفحص نموده معلوم شد که تمام آن محله مسلح شده و قصد موردستان دارند...» (کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، 1353: 272) و یا «... القصه هر دو لشکر طبل آسایش زده از یکدیگر جدا شدند...». (همان: 329) همچنین برای اعلام پایان جنگ، «طبل بازگشت» می‌کوفتند: «... دو لشکر دست از جنگ برداشتند و طبل بازگشت فرو کوفتند...». (محمد هاشم آصف، 1382: 110) آنجلو در شرح جنگ بین سپاه اوزون حسن و سپاه عثمانی از نواختن «شیپور عقب‌نشینی» توسط سپاه عثمانی یاد می‌کند که از مواردی است که از ساز غیرکوبه‌ای

نیز برای ایفای چنین نقشی سخن رفته است: «... و سلطان عثمانی که در تمام مدت با بقیه لشکر غرق در اسلحه در کرانه رود ایستاده بود فرمان داد تا شیپور عقب‌نشینی زدند و اوزون‌حسن که او نیز غرق در آهن و پولاد بود همین کار را کرد. چون بانگ شیپور عقب‌نشینی از دو طرف برخاست هرکدام دست از تعرض برداشتند و به جای خود بازگشتند...». (آنجلولو، 1381: 308)

یکی از مناسبت‌های وابسته به رزم، پیروزی در جنگ است که با شادمانی و موسیقی همراه بود. به نظر می‌رسد در این جشن‌ها علاوه بر موسیقی رزمی، از سازهای موسیقی بزمی نیز بهره می‌بردند. در تاریخ جهانگشای جوینی آمده چنگیز پس از فتح بخارا توسط مطربان، شهر را خبر کرد تا ساز و آواز سردهند و مغولان نیز «بر اصول غنای خویش» آواز خواندند، رقصیدند و قهقهه سر دادند. (بیانی، 1386: 101) گاهی به دلیل حيله و به تله انداختن دشمن، نقاره شادپایانه، یا نقاره بشارت نواخته می‌شد که باعث دل‌سردی دشمن می‌شد:

«... امیر شاه ملک که از امرای میرزا شاهرخ بود حيله‌ای انگيخت و نقاره بشارت نواخته آوازه در انداخت که امیر اسپند گرفتار گردید. این خبر باعث دلشکستگی میرزا اسکندر و انهزام لشکر گشت و میرزا اسکندر گریزان به حدود فرات روان شد...» (واله اصفهانی، 1379: 706).

باتوجه به تفاوت نواها و وزن‌های اجرا شده توسط سازها در موقعیت‌های مختلف جنگ، از چگونگی اجرای این نواها و وزن‌ها اطلاعی در دست نداریم. در برخی از رساله‌های موسیقی دوره صفوی، از اصول «حربی» نام برده شده (عبدالؤمن بن صفی‌الدین، 1346: 39؛ میرصدرالدین قزوینی، 1381: 92) و در رساله موسیقی امیرخان کوکبی نیز از اصول «رزمیانه» سخن به میان آمده است؛ (امیرخان کوکبی، ن.خ: برگ 44 ب) ولی در هیچ‌کدام از چگونگی اصول «حربی» و تفاوت انواع آن در موقعیت‌های مختلف جنگ سخن گفته نشده است.

4. سفر

موقعیت دیگری که از سازهای رزمی بهره می‌بردند، سفر بود؛ چه در آغاز سفر یا بدرقه در مبدأ، چه حین سفر و حرکت، و چه اتمام سفر یا مراسم استقبال در مقصد. در هنگام آغاز حرکت و یا به نشانه بدرقه، اغلب موسیقی نظامی مانند طبل و سازهای بادی به صدا در می‌آمد؛

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی ... _____ نرگس ذاکرجعفری

ولی هنگام سفر یا مراسم استقبال، از سازهای موسیقی بزمی نیز استفاده می‌شد. در تصویر 3 مراسم استقبال از سام و زال که در شاهنامه شاه تهماسب تصویر شده، دیده می‌شود.



شکل 3 «بازگشت سام و زال»، شاهنامه شاه تهماسب (Nameless, 2011,71)

ابن بطوطه در وصف اردوی سلطان ابوسعید (828 - 873 ق)، از سازها و مراسم حرکت اردو سخن می‌گوید. سازهایی که ابن بطوطه در این سفر نام می‌برد، عبارت‌اند از: طبل، کوس، بوق، شیپور، سرنا. وی علاوه بر این سازها، از صدتن خنیاگر یاد می‌کند که سوار بر اسبان شاهی حرکت می‌کردند و به‌نوبت پس از اجرای سرنا نوازان و طبالان به نوازندگی می‌پرداختند. (ابن بطوطه، 1337: 224) طبق گفته وی، هنگام حرکت، نخست کوس بزرگ را فرومی‌کوفتند و سپس طبل ملکه یا خاتون بزرگ و بعد از آن‌ها طبل‌های خاتون‌های دیگر، طبل وزیر و سپس طبل‌های وزیران یک‌باره به صدا درمی‌آمد. (همان: 225) بنابراین می‌توان گفت هر یک از

این بزرگان، طبل‌های جداگانه‌ای داشتند که به نوبت و ترتیب مقام‌شان به صدا درمی‌آمد. چنین مراسمی بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و همان‌طور که گفته شد، سازهایی نظیر طبل و دیگر سازهای رزمی نشانه قدرت محسوب می‌شدند که همواره همراه حاکمان و بزرگان بودند.

در تاریخ عالم آرای عباسی گفته شده در سفرهای شاه‌عباس، دوازده کرنای پشت سر وی شروع به نواختن می‌کردند تا غلامان و همراهان وی از حرکت شاه باخبر شوند. (اسکندر بیگ ترکمان، 1387: 621) علاوه بر پادشاهان، والی‌ها و خان‌ها نیز هنگام مسافرت، دسته کرنا را با خود همراه می‌بردند. (سانسون، 1346: 59) اولتاریوس درباره مراسم بدرقه سفیران توسط شاه سخن می‌گوید که طبل و سازهای بادی این مراسم را همراهی می‌کردند. (اولتاریوس، 1363: 227)

مهم‌ترین مراسم در سفرها، پایان یافتن سفر و مراسم استقبال در مقصد بود. هرگاه امیر یا شخصیت بزرگی به شهر وارد می‌شد، مردم و دولتیان از او استقبال به عمل می‌آوردند که اغلب با موسیقی و رقص همراه می‌شد. بیشتر سفرنامه‌های عصر صفویه از مراسم استقبال در ایران سخن رانده و آن را یکی از رسم‌های ایرانیان ذکر کرده‌اند. دریابل، فرستاده امپراتور آلمانی در عهد شاه‌عباس اول، می‌گوید؛ هرگاه شاه‌عباس از شهر یا دهکده‌ای می‌گذشت مردان و زنان و کودکان دایروار جمع می‌شدند، دست یکدیگر را می‌گرفتند و به رسم خودشان می‌رقصیدند و می‌خواندند. در وسط هر حلقه دو یا سه نفر بودند که دهل داشتند و آن را به سبکی خاص می‌نواختند. (دریابل، 1388: 75 - 76). در شهر اصفهان از حضور شیپورها و طبل پایه‌دار در مراسم استقبال از سفیر یاد می‌شود. (فیگوئرا، 1363: 238) فیگوئرا می‌گوید حتی رفتن شاه‌عباس به بازار و مناطق مختلف شهر نیز با استقبال مردم روبه‌رو می‌شد و در این‌گونه موارد نیز نوازندگان با آلات موسیقی شاه را تعقیب می‌کردند. (همان: 328) سر رابرت شرلی به هنگام ورود به اصفهان در زمان شاه‌عباس از استقبال خود توسط مردم و همراهی چهل طبل بزرگ سخن می‌گوید. (شرلی، 1362: 154) دلاواله استقبال سفیران کشورهای مختلف را مفصل شرح داده است که دسته‌های مختلف از روستاهای اطراف اصفهان با سازهای نظامی‌ای همچون سنج، طبل و شیپور و همراهی رقص می‌نواختند. (دلاواله، 1380: 892 - 889).

با مطالعه سفرنامه‌های عصر صفوی می‌توان دریافت که دونوع مراسم استقبال بود؛ یکی مراسم تشریفاتی و رسمی که توسط سازهای موسیقی نظامی و نقاره‌خانه‌های دولتی سازمان‌دهی می‌شد و دیگری مراسم استقبال مردمی که توسط مردم عادی و نوازندگان و رقص‌های مختلف صورت می‌پذیرفت؛ به‌عنوان مثال، کمپفر از مراسم باریافتن هیئت سوئدی یاد می‌کند که طبق گفته‌های وی، یک مراسم تشریفاتی و سازمان‌دهی شده محسوب می‌شد: «... بدو یک نقاره‌چی و دو شیپور زن سوار پیشاپیش هیأت در حرکت بودند؛ آنگاه دوازده نوکر پیاده که سراپا ملبس به لباسی از ابریشم سبز بودند و دبیر سفارت سوار بر اسب راه می‌پیمودند...». (کمپفر، 1360: 247) استقبال فیدالگو در عصر شاه‌سلطان‌حسین که تشریفات ورود خود به اصفهان را همراه سه‌تن شیپورزن شرح می‌دهد نیز بیانگر استقبالی تشریفاتی و رسمی است. (فیدالگو، 2537: 50)

5. شکار

یکی از تفریحات مورد علاقه پادشاهان و حکام، شکار بود که اغلب سازهای رزمی مانند طبل و بوق و غیره در آن استفاده می‌شد. یکی از دلایل استفاده از سازهای رزمی در شکارها، ترساندن حیوانات بود. ابن‌عرب‌شاه شکاررفتن تیمور را چنین می‌دهد: «... بفرمود که طبل‌ها از هر سوی بنوازند و در بوق‌ها و کرناها در دمند. آوای کوس‌ها برخاست و بانگ تیره‌ها بلند شد. چون درندگان آن بانگ‌ها بشنیدند و آن هنگامه ترسناک بدیدند، نیروی خود از دست دادند و دل‌هاشان سخت فرو ریخت...». (ابن‌عرب‌شاه، 1386: 244)

اولتاریوس از شکار شاه صفی و همراه بودن نوازندگان با او سخن گفته است. (اولتاریوس، 1363: 212) سانسون نیز می‌گوید خان‌ها و حکام هنگام سفر یا شکار، دسته کرنا را با خود همراه می‌بردند. (سانسون، 1346: 59) وی در این راستا می‌افزاید، وقتی باز شکاری به پرواز درمی‌آمد، برای صداکردن باز درحالی‌که چهار نعل به‌سرعت اسب می‌تاختند، طبل کوچکی را که روی زین با خود داشتند، به صدا درمی‌آوردند. (همان: 115) استفاده از سازها برای شکارچیان نیز معمول بوده و تنها مختص حکام نبود. در شکار از طبلی استفاده می‌شد که «طبل باز» نامیده می‌شد. طبل باز طبل کوچکی بوده و شکارچیان برای شکار باز به‌کار

می‌بردند. (سام میرزا، بی تا: 33) تصویر طبل باز در نگاره‌هایی که مربوط به صحنه‌های شکار پرندگان است، دیده می‌شود که فرد شکارچی، اغلب شلاقی نیز برای کوبیدن به طبلی که بر روی زین قرار دارد، در دست دارد (تصویر 4).



شکل 4 شکار عبدالله خان ازبک، سبک مغول هندی، 1040 قمری (1630 میلادی) (Canby, 2009: 16)

6. نمایش‌های موسیقایی

نمایش‌های موسیقایی شامل بازی‌ها، تفریحات و ورزش‌هایی بود که به صورت نمایش عمومی اجرا می‌شد و مایه سرگرمی و تفریح مردم را فراهم می‌کرد. این نمایش‌ها طیف متنوعی از

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی ... _____ نرگس ذاکرجعفری

سرگرمی‌ها نمایش توسط حیوانات تا بازی‌ها و ورزش‌هایی نظیر اسب‌سواری، چوگان و کشتی را دربر می‌گرفت که اغلب، توسط اجرای سازهای رزمی همراه می‌شد. در دوران صفویه یکی از مهم‌ترین تفریحات، اجرای نمایش‌هایی بود که در میدان بزرگ شهرها صورت می‌گرفت که به نمایشات میدانی نیز مشهور بود. (اشراقی، 1353: 30) مهم‌ترین این نمایش‌ها عبارت بود از: چوگان‌بازی، تیراندازی، شمشیربازی، نمایش انتخاب شاطر، شعبده‌بازی، نمایش حیوانات، بندبازی و کشتی.

1-6. نمایش حیوانات

یکی از نمایش‌ها و بازی‌های مرسوم، بازی با حیوانات و یا جنگ حیوانات بود که در این میان، گرگ‌بازی بسیار متداول بود. چنین بازی‌هایی نمایان‌گر نمایش‌های سیرک‌های قدیم هستند. کلاویخو در عصر تیمور از بازی فیل‌ها به‌همراه نوای طبل در غرفه سلطنتی تیمور سخن می‌راند؛ درحالی‌که گروهی نوازنده گرد آمده و به صدای بلند آلات گوناگون خویش را می‌نواختند. (کلاویخو، 1384: 257) اولتاریوس در قزوین نمایش دو قوچ با شاخ‌های پیچیده را مشاهده کرده که در پایان بازی به‌همراه صدای طبل، هشت گرگ نیرومند وارد میدان شده و مردم به گرگ‌بازی و جنگ گرگ‌ها مشغول شده بودند. (اولتاریوس، 1363: 156-157)

یکی از نمونه‌های جالب تصویری، اثری است باعنوان «شبیبه وضع بزبازان عراقی» که صحنه‌ای از میدان اصفهان دوره شاه سلیمان را به تصویر کشیده است (تصویر 5). این نقاشی، تصویری است از آلبوم نقاشی‌های انگلبرت کمپفر⁴ که صحنه‌ای از نمایش بز در ایران را نشان می‌دهد. نوازنده تنبک زانو زده و با نواختن تنبک، بز را به بالا رفتن تشویق می‌کند. به جز تنبک، ساز دیگری در این نمایش دیده نمی‌شود. تنبک، پیش از عصر قاجار، جزء سازهای بزمی موسیقی ایرانی به‌شمار نمی‌آمد و بیشتر در موقعیت‌های نمایش معرکه‌گیران به‌کار می‌رفت.⁵



شکل 5 وضع بزبازان عراقی، از آلبوم گردآوری‌شده کمپفر، 1096-1097 قمری (5-1684 میلادی)، موزه بریتانیا (Canby, 2009: 259)

2-6. ورزش و مسابقات

ورزش‌ها و بازی‌های مختلف مرسوم در دوران گذشته باهمراهی سازهای رزمی اجرا می‌شد. یکی از ورزش‌های محبوب ایرانیان، کشتی است. برای تهییج کشتی‌گیران، به‌ویژه در زورخانه‌ها از نواختن تنبک و یا ضرب زورخانه استفاده می‌شد. شاردن در توصیف ورزش کشتی می‌گوید طَبال برای افزایش هیجان دو کشتی‌گیر، در تمام مدت، طبل خود را به صدا درمی‌آورد. (شاردن، 1371: 784)

از دیگر ورزش‌هایی که با نوای سازهای رزمی همراه می‌شد می‌توان از سوارکاری، چوگان و مسابقه تیراندازی نام برد. برادران شرلی از نمایش سوارکاری و بازی چوگان در عهد شاه‌عباس اول سخن می‌رانند که سازهای رزمی نظیر کرنا و طبل این نمایش‌ها را همراهی می‌کردند. (شرلی، 1362: 81) شاردن شمشیربازی را نیز از ورزش‌هایی معرفی کرده که برای نمایش یا

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی ... _____ نرگس ذاکرجعفری

سرگرمی اجرا می‌شد. در این ورزش، شمشیربازان با آهنگ طبل می‌رقصیده و جست‌وخیز می‌کردند. (شاردن، 1371: 784) بازی چوگان از جمله ورزش‌هایی است که در نگاره‌ها همواره با همراهی سازهای رزمی از جمله سرنا، کرنا و نقاره کشیده شده است (تصویر 6).



شکل 6 «سیاوش مهارت خود را در چوگان‌بازی عرضه می‌دارد»، شاهنامه‌ای از مکتب قزوین، حدود 978 قمری (کورکیان، 1377: 126)

یکی از نمایش‌های موسیقایی عصر صفویه، مسابقه شاطر بود. شاطرها از کارمندان بسیار مؤثر دیوان صفوی بودند. آن‌ها مأموران چابک و تندرستی بودند که با پای پیاده مأموریت‌هایی را که مستلزم طی مسافت طولانی و عبور از راه‌های سخت بود انجام می‌دادند. شاه و بزرگان دربار، شاطرها را متعددی داشتند که داشتن شاطرها را بیشتر نشان شأن و موقعیت بالاتر بود. اگر یکی از بزرگان می‌خواست که شاطرش به مقام استادی برسد، تمام دوستان خود را دعوت می‌کرد و درحین اجرای مسابقه، موسیقی و رقص نیز همراه می‌شد. شاردن، خصوصیات روز مسابقه شاطر را با جزئیات تشریح کرده است. طبق گفته وی در سرتاسر مسیری که شاطر دوندگی می‌کرد، آلات موسیقی نظیر طبل پایه‌دار، شیپور و شاهنای به صدا درآورده می‌شدند. (شاردن، 1349: 204)

7. عزاداری

در موارد معدودی از دوره مغول از حضور سازهای رزمی در مراسم عزاداری یا تدفین نیز سخن رفته است. در مرگ غازان‌خان با طبل‌ها و کوس‌ها آهنگ عزا می‌نواختند. (عبدالمحمد آیتی، 1346: 270) در روضه‌الصفی گفته شده پس از مرگ تیمور، کورگه مخصوص تیمور را به صدا درآوردند و سپس پوستش را پاره کرده و از کار انداختند. (میرخوند، 1373: 1124) یکی از رسم‌های معمول در مراسم عزاداری، پاره کردن پوست طبل‌ها بود: «بنوحه و زاری درآمده بیک بار فغان و فریاد در عالم سخت گیر سست بنیاد انداختند، بعد ازان کورکه را پاره ساختند...». (شرف‌الدین علی یزدی، 1336: 364) به نظر می‌رسد طبل کوفتن و سپس پاره کردن پوست آن از رسم‌های مغولان بوده است.

نتیجه

اگرچه یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های کاربردی سازهای رزمی در تاریخ اجتماعی ایران، جنگ بود، سازهای رزمی در موقعیت‌های دیگری غیر از جنگ نیز کاربرد داشتند که در پی تغییر روش زندگی در عصر جدید و منسوخ شدن موقعیت‌های کاربردی‌شان، حیات سازهای رزمی نیز روبه زوال رفت.

جنگ، خبررسانی و قدرت‌نمایی حاکمان از مهم‌ترین موقعیت‌های کاربردی موسیقی رزمی محسوب می‌شد و به‌نظر می‌رسد اجرای موسیقی رزمی در این موقعیت‌ها، نقشی حیاتی داشت. در مراحل مختلف جنگ، پیش از آن، حین جنگ و همچنین پیروزی پس از جنگ، نواهای مختلف و مخصوصی را به‌صدا درمی‌آوردند. علاوه بر کاربرد سازهای رزمی در مواقع مختلف جنگ، به‌نظر می‌رسد نحوه و نوع اجرا در موقعیت‌های مختلف جنگ نیز متفاوت بود. در شرح وقایع جنگ‌ها در کتب تاریخی، «طبل حربی» یا «طبل جنگ» از «طبل آسایش» و «نقاره شادپایه» تفکیک شده که بیانگر تفاوت اجراها و وزن‌های مختلف توسط سازهای کوبه‌ای است. خبررسانی یکی از موقعیت‌هایی بود که در آن، از سازهای رزمی بهره می‌بردند. در بیشتر شهرهای بزرگ، مکانی بانام «نقاره‌خانه» بود که عده‌ای نوازنده در هنگام سحر، غروب و نیمه‌شب، نواهایی را اجرا می‌کردند. علاوه بر خبررسانی، بوق و طبل و نقاره‌زدن در نقاره‌خانه، نشانه قدرت‌نمایی نیز به‌شمار می‌آمد. داشتن نقاره‌خانه برای هر حاکمی نشان قدرت و شکوه وی بود.

نقش اجرای سازهای رزمی در دیگر موقعیت‌ها مانند سفر، شکار، مسابقه‌ها و نمایش‌های عمومی، اهمیت کمتری داشت؛ زیرا چنین موقعیت‌هایی از نظر سیاسی چندان مهم نبودند و دربرخی موارد موقعیت‌هایی کاملاً مردمی محسوب می‌شدند. با مطالعه اسناد تاریخی می‌توان دریافت که دونوع مراسم استقبال وجود داشت؛ یکی مراسم تشریفاتی و رسمی که توسط سازهای موسیقی نظامی و نقاره‌خانه‌های دولتی، سازمان‌دهی می‌شد و دیگری مراسم استقبال مردمی که توسط مردم عادی و نوازندگان و رقص‌های مختلف صورت می‌پذیرفت.

پی‌نوشت‌ها

1. بُرد صدا به این مفهوم است که صدا تا چه مسافتی قابل شنیدن است. برد صدا خود به مقوله‌ی شدت و بسامد صدا وابسته است. چقدر صدایی قوی‌تر و بم‌تر باشد، بُرد آن بیشتر خواهد بود.
2. جناح راست لشکر.
3. نیزه کوتاه.
4. کمپفر از 1096 الی 1098 قمری (1684 الی 1686 میلادی) در زمان سلطنت شاه‌سلیمان در اصفهان به‌سر می‌برد.
5. برای اطلاع بیشتر بنگرید به (ذاکر جعفری، 1392).

منابع

- ابن بطوطه (1337). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن عربشاه، احمدبن محمد (1386). *زندگی شگفت‌آور تیمور*. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابولفضل بیهقی (1387). *تاریخ بیهقی*. به تصحیح علی‌اکبر فیاض. تهران: انتشارات هرمس.
- آزاده‌فر، محمدرضا (1389). *حماسه و موسیقی (مجموعه مقالات)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- اسکندریک ترکمان (1387). *تاریخ عالم آرای عباسی*. با اهتمام و تنظیم ایرج افشار. کتاب اول (جلد اول و نیمی از جلد دوم). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- اشراقی، احسان (1353). «شاره‌ای به تفریحات و نظام تفریحی دوران صفویه». *مجله هنر و مردم*. شماره 140 و 141. خرداد و تیر: 28 - 35.
- ال‌ثاریوس، آدام (1363). *سفرنامه آدام اولئاریوس*. ترجمه از متن آلمانی و حواشی احمد بهپور. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- امیرخان کوکبی گرجی (نسخه خطی). *رساله و تصانیف*. شماره 2211. تهران: کتابخانه مجلس شورای ملی.
- آنجوللو (1381). *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*. ترجمه دکتر منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بلوکباشی، علی و یحیی شهیدی (1381). *پژوهشی در موسیقی و سازهای موسیقی نظامی دوره قاجار*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بیانی، شیرین (1386). *دین و دولت در ایران عهد مغول*. جلد اول و دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بی‌نام (1363). *عالم‌آرای صفوی*. به کوشش یدالله شکری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- تاکستن و دیگران (1384). *تیموریان*. ترجمه و تدوین دکتر یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی ... _____ نرگس ذاکر جعفری

- تاورنیه، ژان باتیست (1382). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه حمید ارباب شیروانی. تهران: انتشارات نیلوفر.
- حافظ ابرو (1372). *زبده التواریخ*. مقدمه و تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی. تهران: نشر نی.
- خواندامیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (1362). *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*. چهار جلد. زیر نظر دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابفروشی خیام.
- دانشگاه کمبریج (1389). *تاریخ ایران* کیمبریج. از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. پژوهش دانشگاه کیمبریج. جلد پنجم. گردآورنده جی. آ. بویل. ترجمه حسن انوشه، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- درویشی، محمدرضا (1373). *نگاه به غرب: بحثی در تأثیر موسیقی غرب در موسیقی ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور.
- درویشی، محمدرضا (1386). *سازشناسی ایرانی*، تهران: نشر چشم‌انداز.
- دریابل، تکتاندرفن ژرژ (1388). *ایتزپرسیکوم (سفر به ایران) گزارش سفارتی ایشخوان کاکاش زالانکمنی به دربار شاه‌عباس اول*. ترجمه محمود تفضلی. تهران: انتشارات کتاب سرا.
- دلاواله، پیتر (1380). *سفرنامه پیتر دلاواله*. دو جلد. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: نشر قطره.
- ذاکر جعفری، نرگس (1392). «پیشینه تنبک در تاریخ موسیقایی ایران». *دوفصلنامه پژوهشی مهرگانی*. شماره 6.
- راوندی، مرتضی (1382). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد چهارم. تهران: انتشارات نگاه.
- راوندی، مرتضی (1386). *تاریخ اجتماعی ایران*. شیوه‌های حکومت و سازمان سیاسی و اداری بعد از اسلام. جلد چهارم. تهران: انتشارات نگاه.
- سام‌میرزا صفوی (بی تا). *تحفه سامی (مشمتمل بر اسامی و آثار قریب هفت صد شاعر از شعرای نامدار و گمنام)*. با تصحیح و مقابله وحید دستگردی. بی جا.
- سانسون (1346). *سفرنامه سانسون*: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی. تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران. ترجمه تقی تفضلی. تهران: ناشر نامعلوم.

- شاردن (1330). *سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی*. قسمت شهر اصفهان. ترجمه حسین عریضی. ضمیمه سالنامه دبیرستان ادب.
- شاردن (1371). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: انتشارات توس.
- شرف‌الدین علی یزدی (بی تا). *ظفرنامه (تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان)*، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی. تهران: شرکت سهامی چاپ رنگین.
- شرلی، آنتوان و رابرت (1362). *سفرنامه برادران شرلی*. ترجمه آوانس. به کوشش علی دهباشی. تهران: انتشارات نگاه.
- عبدالمحمد آیتی (1346). *تحریر تاریخ و صاف*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- عبدالمومن بن صفی‌الدین (1346). *رساله موسیقی بهجت الروح*. مقابله و مقدمه و تعلیقات ه. ل. رابینودی برگوماله. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- فیگوئرا، دن گارسیا د سیلوا (1363). *سفرنامه فیگوئرا سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (2536). *سفرنامه کاتف*. ترجمه محمدصادق همایونفرد. تهران: وزارت فرهنگ و هنر کتابخانه ملی.
- کارری، جملی (1348). *سفرنامه کارری*. ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کلاویخو، روی گونسالس د (1384). *سفرنامه کلاویخو*. مترجم مسعود رجب‌نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (1353). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: کتابخانه طهوری.
- کمپفر، انگبرت (1360). *سفرنامه کمپفرت*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- کوتزبونه (1348). *مسافرت به ایران*. ترجمه محمود هدایت. تهران: ناشر نامعلوم.
- کورکیان، ا.م، ژ.پ. سیکر (1387). *باغ‌های خیال (هفت‌قرن مینیاتور ایران)*. ترجمه پرویزمرزبان. تهران: انتشارات فرزاد.

شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی ... _____ نرگس ذاکر جعفری

- محمد هاشم آصف (رستم الحکما) (1382). رستم التواریخ (سلاطین سلسله‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه). به اهتمام عزیزالله علیزاده. تهران: انتشارات فردوس.
- مسعودیه، محمدتقی (1383). سازهای ایران، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- ملاح، حسینعلی (1355)، فرهنگ سازها. تهران: کتاب سرا.
- میرصدرالدین قزوینی (1381). «رسالة علم موسیقی اثر میرصدرالدین محمد قزوینی». تصحیح و مقدمه آریو رستمی. فصلنامه موسیقی ماهور، شماره 18، زمستان، صص 81-96.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (1379)، روضه‌های ششم و هفتم از خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)، به کوشش هاشم محدث. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- Barakat, Heba (2008). *Treasures of The Illustrated & Illuminated Persian Manuscripts Nationnal Library of Egypt*, Cairo, Egypt: Dar al-Kutub wa-al-Watha'iq-Qawmiyah.
- Canby, Shila. R. (2009). *Shah `Abbas. The Remaking of Iran*, The British Museum Press.
- Nameless (2011). *The Shahnama of Shah Tahmasp: The Persian Book of Kings*, Introduction by Sheila R. Canby, Metropolitan Museum of Arts, Yale University Press.